

بحث ما در حقوق اعضای بدن انسان بود. اولین عضوی که امام سجاد(ع) به بیان حقوق آن پرداخته‌اند، حق اللسان بود. یک حق کلی برای لسان و زبان فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ اللِّسَانِ فَأِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا»، بزرگداشت و تکریم زبان از بدزبانی؛ یعنی آن را از بدزبانی حفظ کنند؛ این اصل این حق بود. به همین مناسبت اشاره‌ای داشتیم به برخی از مصادیق بدزبانی؛ یکی از مهم‌ترین مصادیق بدزبانی، غیبت بود. تا حد ممکن و به مقداری که این جلسات اقتضا می‌کرد، درباره آن سخن گفتیم. دومین مصداق آن دروغ بود که درباره آن هم اجمالاً مطالبی گفته شد.

۳. تهمت

سومین مورد، تهمت و بهتان است. این هم از مهم‌ترین مصادیق بدزبانی است؛ یعنی کسی که می‌خواهد حق اللسان را ادا کند و آن را بزرگ بدارد و اکرام کند از بدزبانی، باید از تهمت اجتناب کند. خنا و بدزبانی در مصادیق متعدد متجلی می‌شود؛ ما مصادیق زیادی برای بدزبانی داریم که ما مهم‌ترین آنها را عرض می‌کنیم. حالا این دو سه تا را عرض کنیم، حداقل فهرست‌وار بیشتر مصادیق بدزبانی را ذکر خواهیم کرد. اما آنهایی که مهم‌تر و شایع‌تر است، همین‌هاست؛ یکی تهمت است. مسأله تهمت معنایش معلوم است، بهتان؛ به قول امام صادق(ع) در یک روایتی اینکه شما چیزی را بگویید که در شخص نیست. «وَالْبُهْتَانُ أَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ»^۱ اینکه درباره کسی چیزی بگویید که در او نیست؛ این می‌شود تهمت و افترا.

آیات و روایات بسیاری در رابطه با تهمت داریم؛ واقعاً مسأله تهمت یکی از مزاحمت‌های جدی انبیا و اولیاء خدا بوده است. یعنی شما نبی‌ای از انبیا خدا را نمی‌بینید که با این پدیده مواجه نشده باشد. به یک معنا از آدم ابوالبشر، تمام پیامبران اولوالعزم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و پیامبر گرامی اسلام(ص) با این ناهنجاری و پدیده و معضل مواجه بودند و مشقت‌های زیادی را برای انبیا می‌بینیم درست کردند. این خیلی مسأله مهمی است و صبر در برابر این تهمت‌ها هم از امور جزئی بگیریید تا امور مهم؛ این هم خیلی مهم بوده به نحوی که داستان‌های زیادی نقل شده که فرصت نیست من به آن مواردی که در مورد انبیا این تهمت‌ها گفته شده، عکس‌العمل‌های آنها و آثار سوء این تهمت‌ها در خود مردم، در جامعه و نهایتاً عذاب الهی که دامن‌گیر تهمت‌زندگان و شایع‌کنندگان شده است بپردازم. چون برخی موارد کسی تهمت را اختراع و ابداع کرده و بعد دهان به دهان چرخیده و شیوع پیدا کرده است. داستان افک و قضیه‌ای که مربوط به عایشه نقل شده، یک داستان خیلی عجیبی است؛ اتفاق عجیبی است و نکات بسیار مهمی در این آیات برای این عمل ذکر شده و تخطئه‌ای که خداوند تبارک و تعالی کرده و آن عذاب و عقابی که برای ابداع‌کنندگان تهمت، نقل‌کنندگان و پخش‌کنندگان تهمت ذکر کرده است.

آیات ۱۱ تا ۱۹ سوره نور

من این چند آیه را به خاطر اهمیتی که این آیات دارد از جهات مختلف نقل می‌کنم. آیات ۱۱ تا ۱۹ سوره نور، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ * لَوْ لَّا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ * لَوْ لَّا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ»، تا اینکه می‌رسد به این آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ

فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». اصل داستان و شأن نزول این آیات مربوط به جنگ بنی المصطلق بود؛ آنجا که حضرت به همراه عایشه در آن مرکبی که سوار بودند می‌خواستند حرکت کنند که حضرت مواجه شد با تقاضای عایشه برای قضای حاجت. عایشه وقتی برای قضای حاجت رفت، سایرین گمان کردند که عایشه در مرکب خودش سوار شده و حرکت کردند. بعد از اینکه حرکت کردند، عایشه که جا مانده بود، گویا به همراه یکی دیگر از کاروانیان که او هم جا مانده بود، با او مواجه شد و او عایشه را به کاروان رساند. همین که مردم دیدند عایشه با یک مرد غریبه به سوی کاروان می‌آید و به کاروان وارد شد، این زمینه شد برای اینکه منافقین شایعه و حرف و حدیث درست کنند؛ بالاخره این تهمت به عایشه همسر پیامبر مطرح شد که او ارتباط نامشروعی با شخصی داشته است. این آغاز یک داستانی شد و دهان به دهان این سخن پیچید تا اینکه این آیات نازل شد.

من نکاتی که در مورد این آیات وجود دارد و مطالبی که این آیات به آن اشاره دارد را عرض خواهم کرد. این عتاب و خطاب فقط مخصوص کسانی که این تهمت را عمداً مطرح کردند نیست. کسانی که این تهمت را اخذ کردند و با زبانشان این را منتشر کردند، آنجایی که در آیه ۱۵ می‌فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»، خطاب و عتاب می‌کند که شما اینها را با زبان‌هایتان گرفتید و با دهان‌هایتان گفتید و چیزی را که به آن علم نداشتید و فکر می‌کردید که چیز مهمی نیست، این را منتشر کردید و فکر کردید که چیز مهمی نیست؛ در حالی که این عندالله بزرگ و عظیم است. «وَلَوْ لَا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ»، اینکه هر چیزی را بشنوید و به راحتی منتشر کنید، این امری ناپسند است. این آیات نکاتی دارد که من عرض خواهیم کرد.

اما قبل از اینکه به اصل تهمت بپردازیم، من یک اشاره‌ای کنم به مطالبی که گاهی این ایام و در این سال‌ها راجع به عایشه همسر پیامبر مطرح می‌شود. وقتی یک چنین شایعه‌ای درباره عایشه پیش آمد و مطرح شد، این آیات نازل شد در برابر کسانی که این شایعه را ساختند و پرداختند و دهان به دهان منتشر کردند. واقعاً کسانی که کتاب می‌نویسند یا در سخنرانی‌ها می‌گویند و عایشه همسر پیامبر را متهم می‌کنند به فحشا و با تعابیر ناپسند از این جهت از او یاد می‌کنند، در برابر این آیات چه سخن و چه موضعی دارند؟ آیا حساسیتی که قرآن و خداوند متعال راجع به پیامبر(ص) دارد و قطعاً همسران پیامبر(ص) هم در یک شرایطی این حساسیت نسبت به آنها بوده و هست، آن وقت چطور می‌توان در مورد عایشه یک چنین مطالبی را مطرح کرد؟ اگر تهمت عبارت است از چیزی که گفته شود در حالی که در کسی نیست، فرقی هم نمی‌کند؛ آن کسی که یک خصوصیتی در او نیست، حالا می‌خواهد مسلمان باشد، مؤمن باشد، ما او را قبول داشته باشیم یا نداشته باشیم، به چه حقی این مطالب در مورد همسر پیامبر مطرح می‌شود. بله، یک وقت بعضی رفتارهای همسر پیامبر(ص) را کسی می‌خواهد نقد کند، اشکالاتی از نظر رفتاری به او دارد، این بحث دیگری است؛ حالا یک جایی اشکال می‌کند، چه در زمان حیات پیامبر(ص) و چه بعد از حیات پیامبر(ص)؛ اما اینکه چنین تهمتی مطرح شود، آن هم به این شکل منتشر شود، این چیزی است که به هیچ وجه قابل توجیه نیست و من نمی‌دانم کسانی که با قلم یا با زبان چنین تهمتی را به همسر پیامبر(ص) می‌زنند و مطرح می‌کنند، در برابر رسول خدا(ص) چه پاسخی خواهند داشت، چه توجیهی خواهند داشت؛ العهدة عليهم. به هر حال این آیات نکات مهمی دارد که این نکات را در جلسه آینده عرض خواهم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»